



نقش پیش دانسته‌ها و علایق مفسر در تفسیر قرآن

دکتر علی اوسط باقری

استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته

بهار ۱۳۹۹

باقری، علی اوسط، ۱۳۴۶-

نقش پیش دانسته‌ها و علایق مفسر در تفسیر قرآن / علی اوسط باقری. — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۹۹.

ده، ۳۲۲ ص. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۲۶: قرآن پژوهی؛ ۷۰، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته؛ ۱۴۷۶: علوم قرآنی؛ ۷۲)

ISBN: 978-600-298-299-5

بها: ۳۳۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

کتابنامه، ص. [۲۸۶] ۲۹۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. تفسیر -- فن. ۲. Qur'an -- Criticism, Interpretation, etc -- Technique. ۳. قرآن -- تحقیق. ۴. Qur'an -- Research.

۵. مفسران. ۶. *Commentators. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.

ج. عنوان.

۲۹۷/۱۷۱

BP۹۱/۵

۶۰۶۲۰۲۶

شماره کتاب‌شناسی ملی



نقش پیش دانسته‌ها و علایق مفسر در تفسیر قرآن

مؤلف: دکتر علی اوسط باقری

ناشران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته

صفحه‌آرایی: محمد عسگری

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ، و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی آسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

قم: خیابان شهدا، کوی ۲۴ (ممتاز)، پلاک ۳۸، صندوق پستی ۳۷۱۸۵-۶۵۵، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته،

تلفن و نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۲۳۲۶ همراه: ۰۹۱۲۲۵۲۶۷۰۶ فروشگاه تهران: ۶۶۴۶۶۱۲۱

emapik@chmail.ir

www.hatif.ir

پایگاه اطلاع‌رسانی و فروش اینترنتی:

سخن ناشران

نیاز گسترده جوامع علمی حوزوی و دانشگاهی به متون علوم انسانی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، حقیقتی انکارناپذیر است. برای رفع این نیاز، مراکز پژوهشی با توجه به محدودیت‌های موجود، می‌توانند با همکاری یکدیگر، آثار مشترکی تدوین و ارائه کنند تا افزون بر ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها، از تکرار و موازی‌کاری جلوگیری شود. از این رو، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برای نیل به اهداف یادشده، هفتمین کار مشترک خود را با عنوان نقش پیش‌دانسته‌ها و علایق مفسر در تفسیر قرآن به جامعه علمی تقدیم می‌کنند.

کتاب پیش روی، با هدف ارائه وجوه روا و ناروای تأثیر پیش‌دانسته‌ها و علایق مفسر در تفسیر قرآن، به عنوان منبع درسی برای درس‌های «مبانی تفسیر» و «نظریه‌های تفسیر متن» رشته تفسیر و علوم قرآن در مقاطع مختلف تحصیلی مراکز آموزش عالی حوزوی و دانشگاهی قابل استفاده می‌باشد.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

در پایان لازم می‌دانیم از مؤلف گرامی اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی‌اوسط باقری و نیز از استادان محترم، حجج‌الاسلام والمسلمین آقایان دکتر حمید آریان، دکتر محمدکاظم شاکر و دکتر ابوالفضل ساجدی که با مطالعه و ارائه نظرهای سودمندشان، بر اتقان و غنای اثر افزوده‌اند، سپاسگزاری کنیم.

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه.....
۹.....	فصل اول: مفهوم‌شناسی
۱۱.....	تفسیر.....
۱۱.....	۱. مفهوم لغوی.....
۱۳.....	۲. کاربرد قرآنی.....
۱۵.....	۳. معنای اصطلاحی.....
۱۶.....	۴. تعاریف تفسیر قرآن.....
۱۷.....	۴-۱. تعریف کافیتی (م ۸۷۹ ق).....
۱۷.....	۴-۲. تعریف علامه طباطبائی (م ۱۳۶۰ ش).....
۱۸.....	۴-۲-۱. تبیین‌های نادرست از تعریف علامه.....
۲۰.....	۴-۲-۲. تبیین نگارنده از تعریف علامه.....
۲۵.....	۵. رابطه فهم و تفسیر.....
۲۹.....	تفسیر به رأی.....
۳۳.....	مقصود از تفسیر به رأی.....
۴۰.....	تاویل.....
۴۰.....	۱. مفهوم لغوی.....
۴۲.....	۲. کاربردهای قرآنی.....
۴۲.....	۱ و ۲. مقصود واقعی خداوند از آیات متشابه، معانی بطنی آیات (آل عمران، ۷).....
۴۳.....	مراد از تاویل در عبارت «ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ».....
۴۴.....	مراد از تاویل در عبارت «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ».....
۴۵.....	۲-۳. مصداق عینی وعیدهای قرآن (اعراف، ۵۳؛ یونس، ۳۹).....
۴۶.....	۲-۴. عاقبت و فرجام کار اختیاری انسان (نساء، ۵۹؛ اسراء، ۳۵).....
۴۷.....	۲-۵. اسرار نهفته در کارهای حضرت خضر (کهف، ۷۸ و ۸۲).....
۴۸.....	۲-۶. تحقق خارجی رؤیای حضرت یوسف علیه السلام (یوسف، ۱۰۰).....

۴۸.....	۲-۷. تعبیر خواب و حقیقتی که رؤیا از آن حکایت می‌کند (یوسف، ۶، ۲۱، ۳۶، ۴۴، ۴۵، ۱۰۱).....
۵۱.....	۲-۸. ویژگی غذای دو هم‌زندانی حضرت یوسف علیه السلام (یوسف، ۳۷).....
۵۳.....	۳. معنای اصطلاحی تأویل و ارتباط آن با تفسیر.....
۵۳.....	۳-۱. تأویل، امری مفهومی.....
۵۸.....	۳-۲. تأویل، امری عینی.....
۵۸.....	۳-۲-۱. ابن تیمیه.....
۶۰.....	۳-۲-۲. شهید صدر.....
۶۲.....	۳-۲-۳. علامه طباطبایی.....
۶۴.....	پیش‌دانسته.....
۶۵.....	علاق.....

فصل دوم: رویکردهای مختلف در تفسیر متون..... ۶۷

۶۹.....	مقدمه.....
۷۰.....	مؤلف‌محوری.....
۷۱.....	برخی هرمنوتیک‌های مؤلف‌محور.....
۷۱.....	۱. مارتین کلاونیوس (۱۷۱۰-۱۷۵۹م).....
۷۲.....	۲. شلایرماخر (۱۷۶۸-۱۸۳۴م).....
۷۳.....	۳. دلتای (۱۸۳۳-۱۹۱۱م).....
۷۵.....	۴. اریک هرش (متولد ۱۹۲۸م).....
۷۸.....	متن‌محوری (ساختارگرایی).....
۷۹.....	۱. پیشینه ساختارگرایی.....
۸۰.....	۱-۱. فرمالیست‌های روسی.....
۸۱.....	۱-۲. سوسور.....
۸۲.....	۱-۲-۱. تمایز بین زبان و گفتار.....
۸۴.....	۱-۲-۲. تمایز میان تحلیل در زمانی و هم‌زمانی زبان.....
۸۵.....	۱-۲-۳. رابطه هم‌نشینی و جانشینی نشانه‌ها.....
۸۶.....	۲. شاخصه‌های ساختارگرایی.....
۸۶.....	۲-۱. استقلال متن.....
۸۷.....	۲-۲. ایجاد معنا توسط ساختار.....
۸۷.....	۲-۳. نیاز نبودن به امری خارج از متن برای فهم آن.....
۸۸.....	۳. بررسی و نقد.....
۸۸.....	۳-۱. نادیده انگاشتن نیت مؤلف.....
۹۰.....	۳-۲. نیاز به اموری غیر از متن برای به دست آوردن معنای آن.....
۹۰.....	۳-۳. موجد معنا شمردن ساختار.....

مفسر محوری.....	۹۱
۱. ساختارشکنی.....	۹۱
۱-۱. همسویی‌ها و تفاوت‌های ساختارشکنی و ساختارگرایی.....	۹۲
۱-۲. غیاب معنا و بازی پایان‌ناپذیر نشانه‌ها.....	۹۳
۱-۳. بررسی و نقد.....	۹۶
۱-۳-۱. نادیده انگاشتن مؤلف.....	۹۶
۱-۳-۲. آزادی عمل خواننده.....	۹۶
۱-۳-۳. غیرمتعین دانستن معنای متن.....	۹۶
۱-۳-۴. سوفسطایی‌گرایی.....	۹۷
۱-۳-۵. خودشکن بودن نظریه ساختارشکنی در فهم متن.....	۹۷
۲. هرمنوتیک فلسفی.....	۹۸
۲-۱. هایدگر.....	۹۹
چپستی فهم و تفسیر از نظر هایدگر.....	۹۹
۲-۲. گادامر.....	۱۰۰
۲-۲-۱. حادثه بودن فهم.....	۱۰۱
۲-۲-۲. افق ذهنی مفسر؛ شرط وجودی فهم.....	۱۰۲
۲-۲-۳. تاریخی بودن فهم.....	۱۰۲
۲-۲-۴. پایان‌ناپذیری جریان فهم.....	۱۰۳
۲-۳. پیامدهای هرمنوتیک فلسفی.....	۱۰۳
رویکرد مفسران مسلمان در تفسیر قرآن.....	۱۰۴
۱. شاخصه‌های مؤلف‌محوری در صراحت و ظاهر کلام مفسران مسلمان.....	۱۰۵
۱-۱. اهتمام به مراد خدای متعال.....	۱۰۵
۱-۱-۱. فهم مراد؛ هویت تفسیر.....	۱۰۵
۱-۱-۲. تأکید بر فهم مراد از رهگذر دسته‌بندی معارف قرآن.....	۱۰۶
۱-۱-۳. تکیه بر مراد خداوند در گرایش‌های گوناگون تفسیری.....	۱۰۷
۱-۲. اذعان به رابطه قرآن و خدا.....	۱۱۵
۱-۳. فهمنده بودن مفسر.....	۱۲۱
۱-۴. توجه به ویژگی‌های خداوند در تفسیر.....	۱۲۴
۲. کلام ابن‌تیمیه در اتفاق مفسران مسلمان بر مؤلف‌محوری.....	۱۲۶
۳. نمودهای مؤلف‌محوری در مقبولات پیشین مفسران مسلمان.....	۱۲۷
۳-۱. اتفاق بر الهی بودن معانی قرآن.....	۱۲۷
۳-۲. علم اصول و مؤلف‌محوری مفسران مسلمان.....	۱۲۸
۳-۲-۱. اهتمام به مراد جدی از رهگذر تقسیم مدلول به تصوری و تصدیقی.....	۱۲۸
۳-۲-۲. حجیت ظواهر برای کشف مقاصد.....	۱۳۰
۳-۳. مقتضای ادله اثبات ضرورت وحی.....	۱۳۱

فصل سوم: پیش‌دانسته‌های مفسر و تفسیر قرآن ۱۳۳

۱۳۵	 اقسام پیش‌دانسته‌ها
۱۳۵	 ۱. پیش‌دانسته‌های بدیهی و غیربدیهی
۱۳۶	 ۱-۱. اقسام پیش‌دانسته‌های غیربدیهی
۱۳۶	 ۱-۱-۱. پیش‌دانسته‌های مبنایی
۱۳۸	 ۱-۱-۲. پیش‌دانسته‌های ابزاری
۱۳۹	 ۱-۱-۳. پیش‌دانسته‌های محتوایی
۱۳۹	 ۲. پیش‌دانسته‌های هماهنگ و پیش‌دانسته‌های ناهماهنگ با قرآن
۱۴۰	 تأثیرهای موجه پیش‌دانسته‌ها در تفسیر
۱۴۰	 ۱. ابزار تفسیر آیات
۱۴۲	 ۲. در اختیار نهادن مبانی تفسیر
۱۴۴	 ۳. در اختیار نهادن اصول و قواعد تفسیر
۱۴۵	 ۴. قرینه بودن برای فهم آیات
۱۵۲	 ۵. شناساندن فضای نزول آیات
۱۵۴	 ۶. شناساندن فضای سخن
۱۵۶	 ۷. مسئله‌سازی و گسترش زاویه دید
۱۶۰	 ۸. تأیید و تبیین محتوای آیات
۱۶۸	 پیش‌دانسته‌های مفسر و ساخت معنا
۱۶۹	 نظریه‌های توجیه‌گر دخالت پیش‌دانسته‌ها در ساخت معنا
۱۶۹	 ۱. مسبوقیت فهم به لایه‌های سه‌گانه دزاین (دیدگاه‌های دیگر)
۱۷۳	 بررسی و نقد
۱۷۵	 ۲. دیالوگی بودن فهم (دیدگاه گادامر)
۱۷۶	 بررسی و نقد
۱۷۸	 ۳. گرسنه معنا بودن الفاظ
۱۸۱	 ۳-۱. بررسی و نقد
۱۸۲	 ۳-۱-۱. نقد تحول معانی الفاظ در پی تحول تئوری‌ها
۱۸۵	 ۳-۱-۲. نقد ادعای سروش درباره شیوه صحیح فهم واژه‌های قرآن
۱۸۶	 کنترل‌پذیری تأثیر پیش‌دانسته‌ها در تفسیر
۱۸۷	 دیدگاه قائلان به کنترل‌ناپذیر بودن تأثیر پیش‌دانسته‌ها
۱۸۸	 بررسی و نقد
۱۹۲	 آسیب‌شناسی
۱۹۲	 ۱. فروغلتیدن در وادی تطبیق و تحمیل
۱۹۶	 ۲. تأویل‌های ناروا
۲۰۴	 ۳. حمل بی‌وجه آیات برخلاف ظاهر
۲۰۵	 ۴. تناظرهای بی‌دلیل

۲۰۷	فصل چهارم: علایق مفسر و تفسیر قرآن
۲۰۹	مقدمه
۲۰۹	رابطه علاقه و انتظار
۲۱۰	اقسام علایق
۲۱۰	۱. علایق مذهبی
۲۱۱	۲. علایق برخاسته از ویژگی‌های شخصیتی
۲۱۱	۳. علایق علمی و تخصصی
۲۱۱	۴. علایق سیاسی اجتماعی
۲۱۲	گونه‌های تأثیر علایق در تفسیر
۲۱۲	۱. گونه‌های موجه
۲۱۲	۱-۱. تنوع‌بخشی به روش‌ها و گرایش‌های تفسیری
۲۱۷	۱-۲. نکته‌سنجی در استفاده مطالب همسو با علایق
۲۲۲	۱-۳. گزینش موضوعات مورد بررسی در تفسیر موضوعی
۲۲۴	۱-۴. ابداع احتمال جدید تفسیری
۲۲۵	۲. گونه‌های ناموجه
۲۲۵	۲-۱. دخالت در ایجاد معنا
۲۲۶	۲-۱-۱. بررسی و نقد
۲۳۰	۲-۲. تعیین مصادیق آیات محکم و متشابه
۲۳۵	بررسی و نقد
۲۳۷	آسیب‌شناسی تأثیر علایق در تفسیر
۲۳۷	۱. اصالت دادن به علایق مذهبی
۲۴۱	۲. حمل بی‌وجه آیات برخلاف ظاهر
۲۴۴	۳. تعصب‌ورزی در انکار آرای دیگران
۲۴۴	۳-۱. نمونه‌هایی از تعصب‌ورزی در تفسیر المنار
۲۴۴	۳-۱-۱. رویکرد دوگانه در تفسیر آیات بیانگر معجزات
۲۵۰	۳-۱-۲. انکار نزول آیه مباحله در شأن اصحاب کساء
۲۵۴	۳-۱-۳. بی‌اعتنایی به تفسیر شیعه از آیه ولایت و طرح اشکالات واهی
۲۶۱	۴. خارج شدن از حیطه تفسیر آیات
۲۶۳	۵. عدول از روش صحیح تفسیر
۲۶۴	۶. تطبیق‌های ناروا
۲۶۵	۷. عدم جامع‌نگری
۲۶۶	کنترل‌پذیری علایق
۲۶۹	پیوست فصل: سیری در تفاسیر شیعه و اهل سنت از آیه ۱۲۴ بقره

۲۷۵	فصل پنجم: نتایج
۲۷۷	نتایج
۲۸۶	منابع
۲۸۶	فارسی و عربی
۲۹۹	انگلیسی
۳۰۰	نمایه‌ها

مقدمه

خدای متعال به عنوان نازل‌کننده قرآن، متن قرآن کریم که حامل پیام‌های الهی است، و مفسر، سه عنصر اصلی مؤثر در فهم و تفسیر این کتاب سترگ هستند. در برخی رویکردهای تفسیری، نقش اصلی در معنای متن، از آن «مؤلف» است و معنای متن همان مقصود وی می‌باشد و مفسر موظف است بدان دست یابد. در برخی رویکردها آنچه در دست یازیدن به معنا مهم تلقی می‌شود، «متن» است و مفسر بدون آنکه ذهن خود را در فهم دخالت دهد و نیز بدون اعتنا به مقصود مؤلف، باید متن را بر اساس عناصر و ساختار درونی آن، فهم و تفسیر کند. برخی نیز در این میان مفسر را در تولید معنای متن دخیل دانسته و دنیای ذهنی وی را در ایجاد معنا دخالت داده‌اند. تعیین جایگاه مفسر در کنار دیگر عناصر دخیل در تفسیر، اهمیت بسزایی دارد و بر اساس آن، رویکرد صحیح در تفسیر قرآن مشخص می‌شود.

پژوهش حاضر درصدد بررسی این مسئله است که پیش‌دانسته‌ها و علایق مفسر در تفسیر قرآن چه نقشی دارند. مفسران قرآن دارای علایق و پیش‌دانسته‌های متفاوتی هستند؛ مفسر شیعی علایق شیعی دارد و کسی که مذهب دیگری دارد، دارای علایق مذهبی متفاوتی است. همچنین علایق سیاسی و اجتماعی مفسران با یکدیگر مختلف است. از نظر دانسته‌های پیشین، مفسری در فلسفه متبحر است و دیگری دستی در عرفان دارد و مفسری هم در علوم تجربی از معلوماتی برخوردار است. بررسی جواز و عدم جواز تأثیر علایق و آگاهی‌های پیشین مفسر در تفسیر، و نیز امکان‌پذیر بودن یا نبودن کنترل آنها در فرایند تفسیر، همچنین بررسی گونه‌های متصور نقش‌آفرینی علایق و پیش‌دانسته‌ها در تفسیر قرآن و تعیین موارد روا و ناروای آن، از مباحث مهمی است که به‌ویژه پس از انتشار دیدگاه‌های جدید هرمنوتیکی در فضای علمی و فرهنگی کشورمان، به بررسی و موشکافی نیاز دارد. در این پژوهش با استمداد از الطاف خدای سبحان، این مهم انجام خواهد شد.

در این بررسی به دو پرسش پاسخ داده می‌شود: ۱. وجوه موجه و ناموجه تأثیر علایق مفسر در تفسیر قرآن کدام است؟ ۲. وجوه موجه و ناموجه تأثیر پیش‌دانسته‌های مفسر در تفسیر قرآن کدام است؟ فرضیه‌ای هم که پیش رو می‌نهم، این است: مفسر در ساخت معنای متن نقشی ندارد و علایق و پیش‌دانسته‌های او در زمینه‌سازی استنتاج قرآن، پیدایش گرایش‌های مختلف در تفسیر، نکته‌سنجی برای استنباط مطالب همسو با علایق، و شناسایی فضای نزول آیات، ایفای نقش می‌کنند.

تذکر این نکته لازم است که مقصود ما در این نوشتار، بررسی تطبیقی نظریه تفسیری مفسران مسلمان با نظریه‌های تفسیری دیگران نیست؛ از این رو به نظریه‌های تفسیری رقیب، تنها در حدی می‌پردازیم که جایگاه مفسر در تفسیر مشخص گردد و نظریه‌هایی را بررسی و نقد می‌کنیم که با نظریه تفسیری مفسران مسلمان تعارض جدی دارند.

همچنین مقصود ما در این پژوهش، ریشه‌یابی نظریه‌های مختلف تفسیری در غرب و عوامل طرح آنها نیست؛ هرچند در ضمن گزارش نظریه‌های مختلف و سیر تاریخی آنها، زمینه پیدایش هر نظریه و برخی از عوامل موجد آن، آشکار خواهد شد.

ما بر اساس تعریفی که از تفسیر خواهیم کرد، با نظرداشت روش صحیح تفسیر قرآن و بررسی میراث تفسیر اسلامی، وجوه روا و ناروای تأثیر علایق و پیش‌دانسته‌های مفسر را در تفسیر قرآن روشن خواهیم کرد و نظریاتی را که بر نقش ناروای معلومات و علایق مفسر در تفسیر تأکید دارند، نقد خواهیم کرد.

نکته دیگر اینکه تا حد میسر از اصطلاحاتی استفاده خواهیم کرد که در میان مفسران دانشمندان علوم قرآن رواج دارد؛ مثلاً به جای زمینه معنایی (context)، تعبیر فضای نزول را به کار می‌بریم که اصطلاحی رایج در بیان روش تفسیر قرآن است.

درباره پیشینه موضوع این تحقیق باید گفت که از بررسی آثار مفسران مسلمان چنین برمی‌آید که آنان برای مفسر نقشی در ایجاد معنا قائل نبودند و نقش وی را فقط فهم مقصود خدای متعال می‌دانستند و از آنجاکه در مقابل این امر ارتکازی، دیدگاه مخالفی وجود نداشت، نیازی به بحث و بررسی دیدگاه‌های مخالف و اثبات دیدگاه مورد نظر خویش نمی‌دیدند.

از این رو در کتاب‌های تفسیر و علوم قرآن، چنین بحثی را نمی‌توان سراغ گرفت. در کتاب‌های کلاسیک علوم قرآن درباره پیش‌دانسته‌های مفسر سخن به میان آمده است؛ ولی فقط به بیان مورد نیاز مفسر اکتفا شده است و در حقیقت تنها به پیش‌دانسته‌های

ضروری برای فهم توجه کرده و از دیگر پیش‌دانسته‌ها و گونه‌های تأثیر آنها سخنی نگفته‌اند. برای نمونه سیوطی در نوع ۷۸/لاتقان که در باب شناخت شروط و آداب مفسر است، پانزده علم را به عنوان دانش‌هایی نام برده است که مفسر بدانها نیاز دارد.^۱ نیز در برخی مباحث علوم قرآن همچون ناسخ و منسوخ، و اعراب القرآن، ضرورت آنها را برای تفسیر گوشزد کرده است.^۲ برخی از نویسندگان در علوم قرآن، از جمله سیوطی، خویی و معرفت، تصریح کرده‌اند که کتابشان را به عنوان مقدمه‌ای برای تفسیر نگاشته‌اند که این امر نیز نشان‌دهنده توجه ایشان به تقدم شناخت‌های حاصل از مباحث علوم قرآن، بر تفسیر آیات است. در کتاب‌های فقهی به‌اختصار از علوم مورد نیاز مجتهد سخن گفته شده است. از باب نمونه آیت‌الله خویی^۳ در کتاب *اجتهاد و تقلید*^۴ و امام خمینی^۵ در *الرسائل*^۶ و کتاب *اجتهاد و تقلید*^۷ دانش‌های لازم برای اجتهاد را برشمرده‌اند و از آنجاکه تفسیر نیز تلاشی اجتهادی برای فهم قرآن است، آن دانش‌ها به اجتهاد مصطلح فقهی اختصاصی ندارد و در تفسیر قرآن، به‌ویژه در حیطه آیات الاحکام نیز ضروری است.

در مقدمه برخی کتاب‌های تفسیر و در متن برخی دیگر، به مناسبت بیان تاریخ تفسیر و متذکر شدن روش صحیح تفسیر و آسیب‌شناسی برخی تفاسیر، از تأثیر پیش‌دانسته‌ها و علایق مفسران در به وجود آمدن گرایش‌ها و روش‌های مختلف تفسیری سخن گفته شده است. از باب مثال مرحوم علامه طباطبایی در بیان تاریخچه تفسیر، در مقدمه *المیزان* از روش‌ها و گرایش‌های مختلف تفسیری و نقش علایق و پیش‌دانسته‌ها در به وجود آمدن آنها به‌اشاره سخن گفته است.^۸ آیت‌الله مصباح نیز در کتاب *معارف قرآن* برخی مفسران را که تحت تأثیر علایق یا اصالت‌بخشی به دانسته‌های پیشین خود، دچار انحراف شده‌اند، مورد توجه قرار داده و در مواردی تفاسیر خاصی از آیات را که تحت تأثیر علایق و پیش‌دانسته‌های مفسران شکل گرفته، متذکر شده‌اند.^۹

۱. ر.ک: جلال‌الدین سیوطی، *الاتقان فی علوم القرآن*، جزء ۴، ص ۲۱۳-۲۱۵.

۲. ر.ک: همان، جزء ۳، ص ۶۶؛ همان، جزء ۲، ص ۳۰۹.

۳. ر.ک: علی غروی، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی* (الاجتهاد و التقليد) تقریرات سیدابوالقاسم موسوی خویی، ص ۹۶-۹۸.

۴. سیدروح‌الله خمینی، *الرسائل*، ص ۹۶-۹۸.

۵. همو، *الاجتهاد و التقليد*، ص ۱۲-۹.

۶. ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۸۴.

۷. برای نمونه، ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، *معارف قرآن* (خدانشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی)، ص ۲۲۷-۲۲۹.

در کتاب‌هایی که درباره روش تفسیر قرآن نگاشته، و اصول و ضوابط لازم برای فهم قرآن تبیین شده است، به‌مناسبت، از برخی پیش‌دانسته‌های مفسر سخن گفته شده است که در تفسیر آیات نقش قرینیت دارند؛ مثلاً معرفت‌های بدیهی و شناخت‌های قطعی آشکار، به مثابه یکی از قرائن متصل غیرلفظی ذکر شده است که باید در تفسیر قرآن مورد توجه قرار گیرد. در ضمن به دسته‌بندی دریافت‌های عقلی پرداخته شده و سپس دریافت‌هایی بیان شده است که در فهم قرآن نقش قرینیت دارند.^۱

در کتاب‌های تاریخ تفسیر نیز در معرفی تفاسیر، به برخی آسیب‌هایی اشاره شده است که مفسران بدانها گرفتار آمده‌اند و برخی از آنها برخاسته از تأثیر ناروای پیش‌دانسته‌ها و علایق مفسر در تفسیر بوده است. مثلاً ذهبی در معرفی تفسیر المنار برخی تفسیرهایی را متذکر شده که به نظر وی نادرست و برخاسته از پیش‌دانسته‌ها یا علایق و گرایش‌های خاص عبه و رشید رضا، پدیدآورندگان تفسیر المنار، بوده است.^۲

پس از آنکه هرمنوتیک فلسفی و دیگر نظریه‌هایی که نقش مؤلف را در تفسیر نادیده می‌انگارند و بر نقش ایجاد مفسر در تفسیر تأکید می‌کنند در غرب طرح شد و این‌گونه آثار در ایران ترجمه گردید، فضای جدیدی برای بررسی نقش مفسر در تفسیر ایجاد شد. به‌ویژه در دو دهه اخیر با طرح نظریه عبدالکریم سروش مبنی بر قبض و بسط تئوریک شریعت که بر ترابط عام معرفت دینی، از جمله تفسیر با دیگر علوم بشری و «تابعیت معرفت دینی نسبت به معارف بشری» تأکید می‌ورزد^۳ و با انتشار کتاب هرمنوتیک کتاب و سنت نگارش محمد مجتهد شبستری، طرح آموزه‌های هرمنوتیک فلسفی بیش از پیش در مجامع علمی کشورمان گسترش یافت. در دو کتاب یادشده، دیدگاه‌های هرمنوتیک‌های فلسفی بازتاب یافته و به صورت کلی بر تأثیر علایق و پیش‌دانسته‌های مفسر در تفسیر تأکید شده و با نشان دادن نمونه‌هایی، احکامی کلی در این‌باره صادر گردیده است.

کتاب‌ها و مقالاتی که در نقد هرمنوتیک فلسفی و نظریه قبض و بسط پدید آمده‌اند نیز در ضمن مباحث، برخی از جوانب تأثیر پیش‌دانسته‌ها و علایق مفسر در تفسیر را نقد کرده‌اند.^۴

۱. برای نمونه، ر.ک: علی‌اکبر بابایی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، زیر نظر محمود رجبی، ص ۱۸۳-۱۸۴.

۲. ر.ک: محمدحسین ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۳، ۴۰۴.

۳. عبدالکریم سروش، قبض و بسط تئوریک شریعت، ص ۳۱.

۴. از جمله، ر.ک: صادق لاریجانی، معرفت دینی.

در برخی مقالات و گفت‌وگوها نیز به اجمال برخی گونه‌های تأثیر پیش‌دانسته‌ها در تفسیر، مورد توجه قرار گرفته است.^۱

درباره ضرورت انجام دادن این پژوهش چند نکته را می‌توان برشمرد:

مفسر پیش‌دانسته‌ها و علایقی دارد و این گونه نیست که ذهنش از هر دانسته‌ای خالی، و درونش از هر علاقه و گرایشی مبرا باشد و اصل تأثیر آنها بر تفسیر، امری قطعی است؛ از سوی دیگر یکی از آسیب‌های جدی در تفسیر، فروغلتیدن در وادی تفسیر به رأی و تحمیل رأی بر قرآن است. بنابراین ضروری است که گونه‌های مختلف تأثیر علایق و پیش‌دانسته‌های مفسر در تفسیر، شناسایی، و روایی و ناروایی هر کدام مشخص شود.

همچنین از آنجاکه در برخی رویکردهای تفسیری، بر نقش مفسر و افق ذهنی وی که دانسته‌های پیشین و علایق او از عناصر اصلی شکل‌دهنده آن است، در تفسیر تأکید می‌شود، بررسی جایگاه مفسر در تفسیر، و نقش پیش‌دانسته‌ها و علایقش در تفسیر قرآن ضرورت دارد. بنابراین تحقیق در این مسئله، دارای ضرورتی ذاتی است.

علاوه بر آن، همان گونه که در پیشینه پژوهش اشاره شد، در کتاب‌های کلاسیک علوم قرآن، کتاب‌های تاریخ تفسیر، و تفسیر، به برخی از جوانب این بحث توجه شده است، ولی تمام جوانب آن به صورت مستوفی بررسی نشده است. در کتاب‌ها و مقالاتی که در دو دهه اخیر پدید آمده‌اند، از آنجاکه بیشتر رد و انکار هرمنوتیک فلسفی مورد توجه بوده است، به وجه سلبی بحث بیشتر توجه شده و جوانب گوناگون شخصیت مفسر و گونه‌های مختلف تأثیر علایق و پیش‌دانسته‌های وی در تفسیر، به صورت کامل بررسی نشده است.

از سوی دیگر، میراث گران‌بهای تفسیری و تفاسیر موجود، از لحاظ تأثیری که پیش‌دانسته‌ها و علایق و گرایش‌های مختلف مذهبی و غیرمذهبی در آنها داشته، کمتر بررسی شده‌اند. آری، همان گونه که در پیشینه تحقیق بیان شد، در کتاب‌هایی که در زمینه گرایش‌ها و روش‌های مختلف تفسیری نگاشته شده، درحقیقت گونه‌ای خاص از تأثیر علایق و پیش‌دانسته‌ها در تفاسیر، مورد توجه قرار گرفته است، ولی تمام وجوه نقش‌آفرینی آنها در تفاسیر بررسی نشده است.

۱. از جمله، ر.ک: احمد واعظی، «قرائت‌پذیری دین»، مجله قیاسات، ش ۱۸، ص ۶۸، ۶۹؛ جعفر سبحانی و احمد واعظی، «اقتراح هرمنوتیک دینی»، مجله قیاسات، ش ۱۷، ص ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۷، ۲۹.

با توجه به آنچه ذکر شد و نیز عنایت به اینکه آموزه‌های هرمنوتیک فلسفی در مجامع علمی و فرهنگی کشورمان گسترش یافته است، ضرورت بررسی همه‌جانبه نقش علایق و پیش‌دانسته‌های مفسر در تفسیر، و بیان وجوه روا و ناروای آن، روشن می‌شود.

هدف از این پژوهش، دفاع از ساحت قرآن در برابر دیدگاه‌هایی است که تفسیر قرآن را به تحمیل بر قرآن تأویل می‌کنند؛ همچنین اثبات درستی شیوه مفسران مسلمان در مؤلف‌محوری در تفسیر، و نفی تفسیر به رأی است. اثبات ضرورت اصل قرار دادن قرآن و لزوم سنجش پیش‌دانسته‌های علمی، فلسفی و غیره با ملاک قرار دادن کلام الهی، از دیگر اهداف این تحقیق است.

در این پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات لازم از طریق مطالعه کتابخانه‌ای صورت گرفته است. بدین منظور پس از فراهم آوردن طرح تحقیق، مقدمات تفاسیر مختلف و نیز متون برخی از آنها، مطالعه و فیش‌برداری شد. نیز به تناسب نیاز، به کتاب‌های اصول فقه و غیر آن مراجعه، و مطالب لازم از آنها یادداشت شد. همچنین برای شناخت نظریه‌های مختلف تفسیری، همچون هرمنوتیک فلسفی، ساختارگرایی و ساختارشکنی، کتاب‌های مربوط و مقالاتی که در این زمینه وجود داشت، مطالعه و فیش‌برداری گردید.

و اما از جهت روش بررسی مسئله، در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و هنجاری استفاده کرده‌ایم. در معرفی نظریه‌های تفسیری مختلف و نقد و بررسی آنها روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است. در بیان وجوه مختلف تأثیرگذاری علایق و پیش‌دانسته‌های مفسر در تفسیر قرآن، روش پژوهش، توصیفی و تحلیلی است؛ ولی در عین حال جنبه هنجاری و توصیه‌ای نیز دارد؛ زیرا با توجه به حقیقت تفسیر و هدف آن و نیز روشمندی تفسیر قرآن، این تأثیرگذاری‌ها ارزش‌گذاری و به روا و ناروا تقسیم شده است. هنجاری و توصیه‌ای بودن آن به این معناست که به کسانی که در صدد تفسیر قرآن برمی‌آیند، توصیه می‌کند تأثیر علایق و پیش‌دانسته‌ها را کنترل کنند تا از تأثیرگذاری ناروای آنها مصون بمانند. در بحث آسیب‌شناسی تأثیر علایق و پیش‌دانسته‌ها بر تفسیر قرآن نیز روش بررسی، تلفیقی از توصیفی - تحلیلی و هنجاری است؛ چراکه مقصود اصلی آن، توصیه به کنترل تأثیرگذاری علایق و پیش‌دانسته‌ها برای مصون ماندن از آسیب‌هایی است که احتمال دارد از این رهگذر، مفسر به آنها دچار شود.

این کتاب در چهار فصل سامان یافته است. در فصل نخست، واژه‌های «تفسیر»، «تأویل»،

«تفسیر به رأی» و دیگر واژه‌های کلیدی تعریف شده است تا از این رهگذر، قلمرو تفسیر و نسبت آن با تأویل، و معیار تفسیر صحیح، در برابر تفسیر به رأی که انحراف از مسیر صحیح تفسیر است، شناخته شود. در فصل دوم، نظریه‌های مختلف تفسیری را از نظر محوری که برای متن، مؤلف یا مفسر قائل‌اند، بررسی کرده‌ایم. همچنین نظریه‌هایی را بررسی کرده‌ایم که با نظریه رایج مفسران مسلمان که مؤلف‌محورند و متن را وسیله‌ای برای نیل به نیت مؤلف می‌دانند، ناسازگارند. در همین فصل، شواهد و قرائن مختلفی بر مؤلف‌محوری مفسران مسلمان، با وجود روش‌ها و گرایش‌های مختلف تفسیری آنها، عرضه کرده‌ایم.

فصل سوم کتاب به بررسی نقش پیش‌دانسته‌های مفسران در تفسیر قرآن اختصاص یافته است. در این فصل پس از تقسیم‌بندی پیش‌دانسته‌ها، وجوه موجه اثرگذاری آنها بر تفسیر را بیان، و نظریه‌های توجیه‌گر دخالت پیش‌دانسته‌های مفسر در ایجاد معنا را نقد کرده‌ایم. در پایان، چهار آسیب از آسیب‌هایی را بیان کرده‌ایم که مفسر از رهگذر اثرگذاری پیش‌دانسته‌ها ممکن است به آنها دچار شود. نمونه‌هایی از تفاسیری را که به این آسیب‌ها دچار شده‌اند نیز ذکر کرده‌ایم.

موضوع فصل چهارم، تأثیر علایق مفسر در تفسیر قرآن است و در آن، گونه‌های موجه و ناموجه اثرگذاری علایق مفسر شناسایی گردیده، نمونه‌هایی از تفاسیر در هر مورد ذکر، و در پایان، آسیب‌ها شناسایی و بیان شده است.

در انتها، ذیل عنوان «نتایج»، خلاصه‌ای از مطالب کتاب در چهارده بند بیان شده است. در پایان از همه کسانی که به گونه‌ای در پدید آمدن این اثر، نگارنده را یاری کرده‌اند، به‌ویژه از استادان معظم، حجج اسلام والمسلمین استاد محمود رجبی، استاد احمد واعظی، دکتر محمدباقر سعیدی روشن، دکتر محمدحسین مختاری، دکتر ابوالفضل ساجدی، دکتر حمید آریان و جناب آقای دکتر محمدکاظم شاکر تشکر می‌کنم و از خدای متعال برای همه ایشان، سعادت و بهروزی طلب می‌کنم. والحمد لله وعلیه التکلیل